

ایران

پیامبر اکرم (ص)؛

هیچ پدری، میراثی بزرگ‌تر از ادب به فرزندش نداده است.


سخن‌روز

کذل‌العالم: ج ۱۶، ص ۴۶۰، ح ۴۵۴۳۵

نگاره

از آثار برگزیده ششمین دوسالانه بین‌المللی کارتون کتاب در بخش «کتاب، فلسطین و مقاومت غزه»



طراح: سیدمحمد جواد طاهری

فضای مجازی
نگهبان میراث استاد شهرداری

حامد خسروشاهی فعال فرهنگی در صفحه مجازی‌اش از یک عصر خاطره‌انگیز با فرزند هادی بهجت تیریزی فرزند شهرباراینجین گفت: به لطف استاد #ایوب_شهبازی و به پهنانه گفت‌وگویی درباره شهربار و #فقفاز به دیدن جناب #هادی_بهجت_تیریزی رفتیم و عصری را در این خانه پرخاطره گذرانندیم.
عمر هر دو استاد قرین برکت و توفیق باد.

بیش از پنجاه سال است که شغل تمام وقت او «فرزند #شهربار_پودن است، چه آن روزها که پدر از میان‌سال‌ی گذشته و رو به پیری بود و هادی نوجوان باید ملازم پدری بود که همواره با در حال سرایش و تفکر بود و یا میهمان و میزبان، چه سال‌های بعد از پدر که نگهبان میراث پدر بود. او از پدر شاعری را ارث نبرده، اما در خانه پدری که شده «خانه موزه استاد شهربار» اینستاده تا عشاق شهربار عطر پدر را از او به مشام برسانند. کم‌حرف است و گزیده سخن. گنجینه خاطرات پدر است و مفسر اشعار.

پایان ممنوع تصویری باران کوثری

با انتشار بوستر فیلم «سه جلد» به کارگردانی مهدی اسماعیلی و به تهیه‌کنندگی محمد آفریده با عکس باران کوثری در فضای مجازی به نظر می‌رسد ممنوع‌التصویری باران کوثری رفع شده است. این فیلم از چهارشنبه ۱۶ آبان در سینماهای سراسر کشور اکران شده است. باران کوثری، آتیلا پسیانی، شاهرخ فرودتشان، رویا جاویدنیا، بسنا میرطهماسب، سولماز غنی، سارا توکلی، آیتا کرمانی و الهام شعبانی از جمله بازیگران این اثر ملتجم اجتماعی هستند.

تذکر و وعده جالب معاون هنری در جشنواره بین‌المللی تئاتر کودک و نوجوان همدان

نادره رضایی معاون هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، در جشنواره بین‌المللی تئاتر کودک و نوجوان همدان وعده هیجان‌انگیزی داد که مورد توجه کاربران فضای مجازی قرار گرفت. معاون هنری وزارت ارشاد در اولین سفر استانی خود به همدان وعده داد هنرمندانی را که به هر دلیلی منزوی شده‌اند به صحنه باز خواهند کرد.اند. در بخش تجلیل از حسین صفی، هنرمند پیشگوست تئاتر همدان نیز وقتی مجری برنامه سید جواد هاشمی از مدیران و مسئولان استانی و جشنواره دعوت کرد که برای قدردانی از این هنرمند به روی صحنه بایبند نادره رضایی تذکر داد اگر هنرمندان پیشگوست برای قدردانی روی صحنه بایبند مسلماً برای حسین صفی جذاب‌تر خواهد بود. با این تذکر معاون امور هنری ارشاد، رضا پایک، بهرام شاه‌محمدلو و علیرضا خمهسه هم به روی صحنه رفتند و یادبود حسین صفی را به او تقدیم کردند.

ترامپ قلدر و جنگ افروز است

رضا فیاضی که در فیلم -تئاتر «من ترامپ نیستم!» بازی کرده است بعد از انتخابات ترامپ به عنوان رئیس جمهور امریکا نوشت: ترامپ یک جنگ‌افروز و قلدر است. از روحیه و خوشم نمی‌آید اما فقط می‌توانم به مقوله بیزنس و اقتصاد او اشاره کنم که قابل توجه است. وگرنه روحیات و سبک زندگی و جغرافیای اندیشه‌ای او را نمی‌پسندم. بعد از گریم ترامپ وقتی خودم را در آینه دیدم تعجب کردم. انگار خود ترامپ شدم. شخصیت‌ها و کاراکترهای امریکایی، انگلیسی، روسی، فرانسوی، عربی و… حتی در گفت‌وگو با تعدادی از همکارانم و همکاران شما در عرصه رسانه گفتم تنها کاراکتری که تا به حال آن را ایفا نکرده‌ام شخصیت یکی از مردان همسایه‌ام افغانستان است و حال‌نمی‌دانم و شاید در سال‌های پیش‌رو از عمر بازیگری‌ام چنین فرصتی را هم به دست بیاورم.
اوایل، بازی در این نقش سخت به نظر می‌رسید اما زمانی که وارد دورخوانی و تمرین‌های نمایش شدمم برایم جذاب بود و به تجربه خوبی تبدیل شد.

دنیای آزاد رسماً به‌وسیله یک دیوانه هدایت می‌شود

سعید مستغاثی منتقد سینما با اشاره به انتخابات اخیر امریکا در مطلبی با تیتیر «حالا دیگر دنیای آزاد رسماً به‌وسیله یک دیوانه هدایت می‌شود!» در صفحه اینستاگرام خود نوشته است: «۱۸ سال پیش در سال ۲۰۰۶، فیلمی توسط بری لوینسون در هالیوود ساخته شد به نام «مرد سال» Man of the Year که در آن رابین ویلیامز (بازیگر فقید امریکایی) نقش یک کم‌دین شوهای تلوزیونی به نام «تام دایز» را بازی می‌کرد.

او در یکی از برنامه‌هایش، موقع انتخابات ریاست جمهوری امریکا به این معضل بزرگ امریکایی‌ها پرداخت که مردم دیگر از حزب جمهوریخواه و دموکرات خسته شده‌اند و رئیس جمهوری غیر از این دو حزب می‌خواهند. در همان برنامه، تماشاگران حاضر در استودیو از تام دایز خواستند که نامزد ریاست جمهوری امریکا شود و البته او این درخواست را به شوخی و مضحکه گرفت تا اینکه به دنبال همین شوخی و بازی، بنا به اصرار تماشاگران، خود را نامزد مستقل و فراحزبی انتخابات ریاست جمهوری اعلام کرد!

در ابتدا کسی او را جدی نمی‌گرفت و به عنوان یکی از بازی‌های زمان انتخابات قلمداد می‌شد، اما به تدریج ماجرا جدی شد و آرایه که برایش به صندوق‌ها ریخته شد در بسیاری از ایالات بیشتر از نامزدهای دو حزب دموکرات و جمهوریخواه بود و بالاخره در میان شگفتی همگان، کم‌دین «تام دایز» رئیس جمهور امریکا شد!

در رسانه‌ها، خبر پیروزی او را چنین اعلام کردند: «حالا دیگر دنیای آزاد به وسیله یک کم‌دین هدایت می‌شود» او در بخش پایانی یادداشت خود آورده است: «دونالد ترامپ به عنوان چهل و هفتمین ریاست جمهوری ایالات متحده امریکا برگزیده شده است. شاید این روزها نیز رسانه‌ها خبر پیروزی دونالد ترامپ را این‌گونه باید اعلام می‌کردند که: «حالا دیگر دنیای آزاد رسماً به‌وسیله یک دیوانه هدایت می‌شود!»

• **صاحب امتیاز:**
خبرگزاری جمهوری اسلامی

نقل قول
حمید سمندیان تأثیرگذارترین معلم من بود

نام کامل من علی اسماعیل پور دهکردی است. تقریباً تمام همشهری‌های من و اهالی قدیمی شهرکرد پسوند دهکردی را که نام زادگاه آن‌ها بوده است همراه نام خانوادگی خود دارند.

شغل پدر من آزاد بود و زمانی که من متولد شدم، او یک مغازه کوچک در شهرکرد داشت. بنابراین در یک شرایط اقتصادی متوسط بزرگ شدم. من تا سال ۱۳۶۳ که دیپلم گرفتم در همین شهر پودم و از اواسط دوران دبیرستان وارد گروه تئاتر شهرکرد شدم. زمانی که در کنکور شرکت کردم، اولین دوره پس از وقوع انقلاب فرهنگی بود. آن زمان من در رشته هنرهای نمایشی دانشکده هنرهای زیبا دانشگاه تهران قبول شدم.

من به واسطه بهرام عظیم‌پور به ابراهیم حاتم‌ی کیا برای فیلم از کرخه تا راین معرفی شدم؛ اتفاقی که برایم به لحاظ حرفه‌ای و همچنین حسی و عاطفی بسیار مهم و بزرگ بود. نسل ما درگیر جنگ بود. شخصیت سعید در فیلم «از کرخه تا راین» به نمادی از رزمنده بسیجی و مذهبی امروزی تبدیل شد. پس از این اثر، در یک فیلم-سریال به اسم «پاپیز بلند» به کارگردانی منوچهر عسگری‌نسب حضور پیدا کردم و پس از سریال «مهر و ماه»، با هما روستا به عنوان پسر جوان گروه تئاتر او همکاری کردم.

زنده یاد حمید سمندیان بی‌تردید تأثیرگذارترین معلم من و هر فرد دیگری به شمار می‌رفت که افتخار شاگردی او را داشت.



بخش‌هایی از گفت‌وگوی علی دهکردی هم‌زمان با زادروزش با موزه سینما

یادداشت

آثار و احوال دیده نشده «**عمادالکتاب**» در موزه خوشنویسی

کو صریر کلک آن خطاط ناب...

عجیبی که رایج بود ده‌ها سال آموزش خط را برای هنرجو به درازا می‌کشاندند! به هر روی او در سال ۱۲۷۶ به عنوان کاتب در وزارت انطاعات مشغول به کار شد و بدین ترتیب زندگی او در کسب معیشتی هم با کتابت گره محکم‌تری خورد. با شکوفایی استعدادش و کسب شهرت در دوره

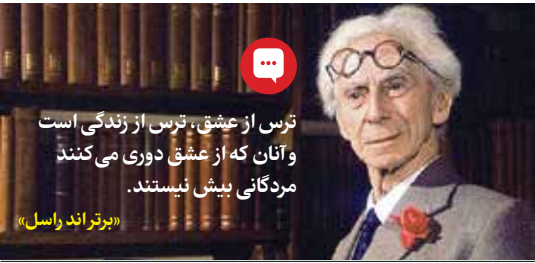
احمدشاه به سمت معلمی شاه رسید. حدود سال ۱۲۹۵ در سری دستگیری به جرم عضویت در گروه موسوم به «کمیته مجازات» به حبسی پنج ساله مبتلا شد و پس از رهایی از زندان به واسطه جایگاه بسیار بالائی استادی‌اش، دوباره اعتبار و مستند پیشین خود را به دست آورد. او حتی در زندان نیز از مشق و کتابت بازماند و آثار بسیاری را در این دوره خلق کرد. بر این اساس، پس از آزادی از زندان نه تنها خضش افت نکرده بود بلکه پخته‌تر و کامل‌تر هم شده بود. در این دوره پسازندان که مصادف با تغییر نظام سیاسی کشور شده بود با انگیزه‌های بسیار زیاد دست از کار نشست و به تلاش ادامه داد. او در نهایت ۲۶ تیرماه ۱۳۱۵ چهره در نقاب خاک کشید.

در کنار هم قرار گرفتن قطعات مختلف آنچه‌ا از زندگی ایشان یاد شد در وجودی که سرشار از اراده و پشتکار بود، در نهایت استاد بزرگی پرورش داد که تقریباً به تنهایی کشتی خط نستعلیق را در دوره‌های پسر از تلاطم به پیش راند و به ساحل رساند. در عصری که نوع کشورداری قاجاریان در کنار گسترش ارتباطات گوناگون با اروپا، کشور را در مسیری برد که به انقلاب مشروطه منجر شد، عوامل گوناگونی چون واردات فرهنگی و فرازنشیب‌های معیشتی، روزبه‌روز رونق خوشنویسی را کمتر می‌کرد. عمادالکتاب شروع به فعالیت کرد. او با شناخت ویژگی‌های زمانه خود با تأثیر از شیوه‌های نوین آموزشی که در غرب دیده بود با تألیف کتابچه‌های آموزشی و انتشار آن در میان شاگردان مدارس، نظام آموزشی خط را تغییر داد تا بنا بر گفته خود او چند آسیب را هم‌زمان درمان کند؛ یکی کمبود معلم خط، دیگری نجات خط الفبای فارسی از خطر نابودی و سوم افزایش سرعت و کیفیت آموزش خط.

تلاش‌های بی‌ظنر و دیدگاه جدید عماد در زمینه آموزش خط، در نهایت به شکل گیری سازمانی نظام‌مند در آموزش خط انجامید و نسل شاگردانش پس از وی آن را به انجام رسانده و سازمانی تحت عنوان «انجمن خوشنویسان ایران» را پدید آوردند که تا امروز به پرورش هنرجویان می‌پردازد.


عکس نوشت


«ایران» رادر صفحه‌های مجازی دنبال کنید



تربس از عشق، تربس از زندگی است
واتان که از عشق دوری می‌کنند
مردگانی بیش نیستند.

«بزرگ‌اند راسل»

تجسم
گفت‌وگو با زبان عکس


سعید فلاح فر

پژوهشگر هنر

پیش‌بینی‌ها به وقوع پیوست. عکاسی پیروز شد. امروز را باید به نام عصر ارتباطات تصویری و مستندات بصری یا «عصر عکس» نامگذاری کرد. همان‌طور که با وجود آثار فلامنکو، چوبی، سنگی و اسکلت مردگان و... باستان‌شناسی و تاریخ باستان همچنان به طور چشمگیری مدیون یافته‌ها و بقایای سفالی است؛ سبک زندگی، تاریخ معاصر و افکار عمومی جهان امروز هم بسدنت تحت تأثیر تصویر و علی‌الخصوص «عکس» قرار گرفته است. سده‌های گذشته را با کتاب‌ها و سایر منابع مکتوب می‌شناسند و احتمالاً آیندگان، عصر حاضر را از روی عکس‌های به‌جا مانده قضاوت خواهند کرد. به نظر می‌رسد، هر چه سرعت زندگی در دنیای مدرن افزایش پیدا می‌کند، مرجعیت تصویر و عکس هم بیشتر می‌شود. تا جایی که شاید ویژگی «حذف زمان در عکس» نوعی برتری رسانه‌ای در قیاس با متن و فیلم پیدا کند که باعث گرایش و ناگزیر اختصاص سهم بیشتر برای تأثیر عکس باشد.

سهولت تولید و نشر عکس و البته کیفیت هنری هم عواملی مضافه برای شکل‌گیری چنین وضعیتی خواهد بود. نسل امروز که تصور می‌کند مشغله‌های بسیار و مهم دارد، برای مطالعه متون طولانی حوصله نمی‌کند و حتی کم‌کم از خواندن متون کوتاه و خلاصه‌نویسی‌ها در فضاهای مجازی هم طفره می‌رود. بنابراین، نگاه کردن فوری عکس‌ها تقریباً به آخرین راه ارتباطات اجتماعی تبدیل شده است، مخصوصاً که عکس‌ها در تحریک احساسات و بازویذیری قدرتی بیش از منابع مکتوب پیدا کرده‌اند. اکثریت افراد، تجارب دیداری خود را به خواندن و نوشتن یا شنیدن متون و اطلاعات کتبی ترجیح می‌دهند. چنین جامعه‌ای محصولات رسانه‌ای را در حد اعلامیه‌ها و تابلوهای تبلیغاتی مصرف می‌کند. حتی با اخبار مهم و رویدادهای جدی، مثل یک بلیبورد بین چاده‌ای و دیدن گذرا و لحظه‌ای آن از پشت فرمان خودروی در حال حرکت، مواجه می‌شود. حافظه مردم از تصویر جنگ‌ها، حوادث طبیعی، شورش‌ها، اکتشافات، جشن‌ها، سفرنامه‌های تصویری و... پر شده و این تصاویر لحظه به لحظه با تصاویر و عکس‌های جدید جایگزین می‌شود. به علاوه عکس‌ها در ایجاد واکنش‌های جمعی و جلب اعتماد مخاطب، موفق‌تر از رسانه‌های متنی و کلامی عمل می‌کنند.

اغلب مردم حتی به جای یادداشت‌های ضروری و ساده روزمره، مثلاً یادداشت شماره تلفن و نشانی، قیمت کالاها و... دست به گوشی می‌برند و عکاسی می‌کنند. حافظه بشر امروز به ثبت تصاویر تمایل و علاقه بیشتری نشان می‌دهد و از نشانه‌های باز آن می‌شود به واکنش حافظه نسل جدید به شعر و ادبیات، غربت خودکار و خودنویس و میزان تسلط به درست‌نویسی و روح شکلک‌ها به جای کلمات احساس‌ساز پی‌پام‌رسان‌ها اشاره کرد. آیا واقعاً بشر امروز از کمبود زمان و مشغله بسیار رنج می‌برد و از روی اجبار به این روش‌های میانبر ارتباطی پناه می‌آورد؟ یا این زبان نوین، ظرفیت‌ها و جذابیت‌هایی دارد که استفاده از آن. به اقتضای توسعه روابط و تکامل ماهیت ارتباط آدم‌ها و جامعه. به یک ضرورت تبدیل شده است؟ آیا با تغییر عادات و ذهنیت‌های موروثی، زبان بصری جایگزین بالماتز کلام و نوشتار خواهد شد؟ آیا با تصویرهایی که از طریق عکاسی تولید می‌شوند، می‌توان به اندازه معجزه کلمات، به درک هستی یا تولید اندیشه و تفکرات عمیق فلسفی رسید؟ عکاسی در رقابت با رسانه‌های مقید به صرف زمان (مثل کتاب، روزنامه و سینما که نیاز به صرف زمان طولانی تری دارند)، تا به کجا پیش خواهد رفت. در سرانجام این تحولات، کلمه به مفهوم انتزاع نزدیک‌تر خواهد شد یا عکس؟ آیا عجله، توأم با اتلاف وقت و سرگرم شدن یکی از مشغله‌های بشر امروز است؟



جشنواره بزرگ

انار پاره در

هورامان و

واقع در استان

کرمانشاه

با حضور هزاران

گردشگر

از نقاط

مختلف کشور

برگزار شد.

عکس:

میراث آریا